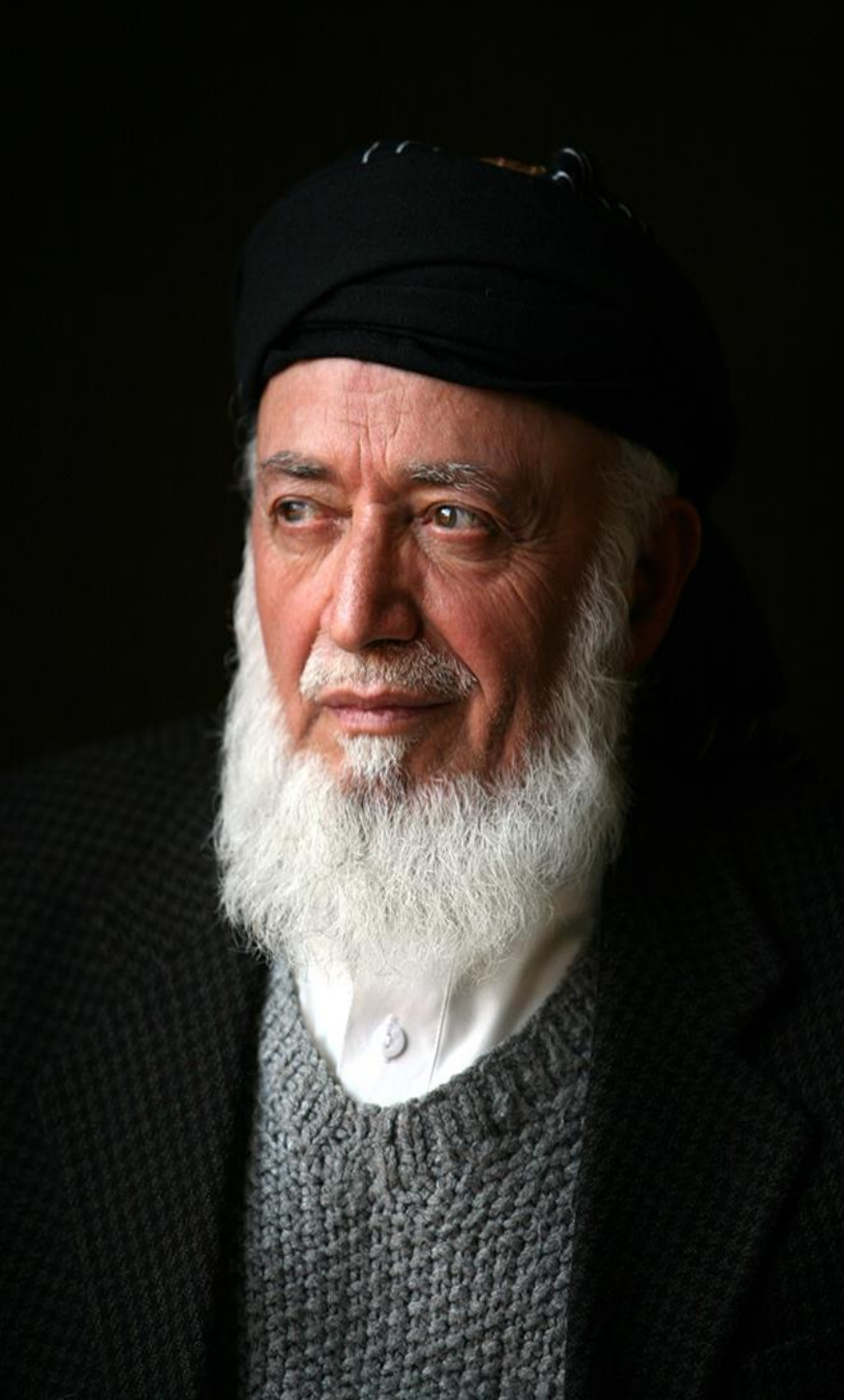






مرکز تدوین آثار رهبر شهید

بسم الله الرحمن الرحيم

قیام توفنده در قلب کشور

خطابه‌ای از:

رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین ربّانی

شناسنامه کتاب

نام کتاب: قیام توفنده در قلب کشور (خطابه ای از رهبر شهید

پروفسور برهان الدین ربّانی)؛

نوبت چاپ: سوّم، ۱۳۹۰ خورشیدی؛

حروف نگاری: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ویرایش و تحشیه: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

طرح جلد: علی پژمان؛

برگ آرا: خیرالله خیرخواه؛

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه؛

تعداد صفحه: ۳۶؛

قطع: جیبی؛

قیمت: ۵۰ افغانی؛

چاپ خانه: شبیر؛

نشانی ما در فیسبوک: صفحه رسمی آثار رهبر شهید؛

نشانی برقی: sh.rabbani1390@gmail.com؛

حق چاپ تنها برای مرکز تدوین محفوظ است.

یادداشتی بر چاپ سوم

سوم حوت؛ روز ماندگار و حیات‌آفرین در تاریخ کشور ماست، روزی که امیدهای نوینی را در دل و دماغ رزم‌جویان و بیدارگران پدید آورد، روزی که چیره‌گری حق بر باطل و به نیستی کشاندنِ باطل را، بار دیگر مُسجّل کرد، روزی که نقش جوانانی را که به پروردگارشان ایمان داشتند، برجسته ساخت، روزی که حکایت از شکست مرگبارِ اندیشه‌های جاهلی در برابر اندیشه‌های راست الهی داشت، روزی که هرسال، ساربان این کاروان آزادی، حکایت‌های پرشور و حکیمانه‌ای داشتند و نشانه‌ها و چراغ‌هایی را در مسیر این راه می‌گذاشتند.

اکنون که آن تندیس آزادی، در میان ما نیست، خواستیم، به رسم وفا و تعهد به اندیشه، یکی از خطابه‌های توفنده‌اش را در دسترس آزادگان میهن قرار دهیم؛ تا آن را به خاطره‌ها باز گردانیم که اگر رهبر شهید، در میان ما نیست؛ ولی تعالیم تابناک و روشن‌گر او پاینده

و ماندگار است، به هرروی، غلام همت آنیم که از رهبر شهید طاعوت‌ستیزمان درس آزادزیستن و شهادت را فراگیرد، به امید تحقق این مأمول، این خطابه مبارکه را در اختیار شما قرار می‌دهیم، وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ.

فضلی آماج

رئیس مرکز تدوین آثار رهبر شهید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ وَكَفَى وَسَلَامٌ عَلَى
عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى^۱؛ اما بعد:

برادران رزمنده و مؤمن!

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ.

شکیب ارسلان؛^۲ یکی از نویسندگان و متفکرین
عالی قدر جهان اسلام، پیش‌گویی خود را در ارتباط با
ملت مؤمن افغان و آن امیدها و آرمان‌هایی که تاریخ

۱. به نام خداوند بخشنده و مهربان؛ ستایش از آن الله است و بس و درود بر
بندگان برگزیده او. «مرکز تدوین»

۲. شکیب ارسلان ملقب به امیرالبیان: در رمضان ۱۲۸۶ ق، به دنیا آمد، از
مشاهیر نویسندگان، شاعران، ادبا، بزرگان و سیاست‌مداران قرن چهاردهم
هجری بود، وی در علوم ادبی و تاریخی و انساب عرب و زبان فرانسه تبحر
کامل داشت و مدتی در آلمان می‌زیست و در شمار مخالفان و منتقدان سیاست
انگلیس در لبنان و سوریه بود و نطق‌های آتشین به زبان فصیح فرانسه ایراد
می‌کرد، بعد از جنگ جهانی اول در سویس روزنامه‌ای به زبان فرانسه منتشر
ساخت که سال‌ها دوام داشت و انتشار همین روزنامه بزرگ‌ترین علت
ممنوع‌بودن ورود او به لبنان و سوریه از سوی استعمار بود، لماذا تأخر
المسلمون؟ ولماذا تقدم غیرهم؟، تاریخ ابن خلدون، الحلل السندسیة فی
الأخبار والآثار الأندلسیة، تاریخ غزوات العرب فی فرنسا و سويسرا وإيطاليا
و جزائر البحر المتوسط و السید رشید رضا أو إخوان أربعین سنة، از آثار اوست،
سرانجام در ۱۵ محرم ۱۳۶۶ ق درگذشت. نگاه: الموسوعة الحرة و لغت‌نامه
دهخدا. «مرکز تدوین»

اسلام و امت اسلامی از این ملت دارند، چنین بیان می‌کند:

«اگر در سراسر جهان اسلام، شور و شوق مسلمانان در همه‌جا خاموش گردد، اگر همه‌جا نیروهای مسلمانان درهم کوبیده شوند، اگر همه‌جا را سکوت مرگ‌باری فراگیرد، تنها در کوه‌پایه‌های هندوکش، خون توفنده اسلام در شراین ملت مسلمان افغان، همیشه در حرکت خواهد بود و الی - ماشاءالله - باقی خواهد ماند.»

افغانستان را در تاریخ، به نام «دیوار صلح» و به تعبیر اقبال^۱ «قلب آسیا» و به حرف استعمار انگلیس، حدفاصل و حاجز در میان استکبار روسی و استعمار سیاه انگلیسی لقب می‌دادند.

۱. علامه محمد اقبال لاهوری رحمۃ اللہ علیہ: در ۱۸۷۳ م، در شهر سیالکوت ایالت پنجاب هند به دنیا آمد، در لاهور تحصیل کرد و سپس در کمبریج و مونیخ به مطالعه در فلسفه و حقوق پرداخت، سپس به لاهور بازگشت و به وکالت مشغول شد، اقبال معتقد است که روح قرآن با تعلیمات یونانی سازگاری ندارد و بسیاری از گرفتاری‌ها از اعتماد به یونانی‌ها ناشی شده‌است، تشویق اقبال به بازگشت اسلام به صحنه سیاست و ضدیت با تمدن غرب و رد دستاوردهای فرهنگی و علمی غرب از مسائلی است که مورد توجه و استقبال و گاه مورد انتقاد گروه‌هایی از اندیشمندان است، سرانجام، این اندیشمند بزرگ بر اثر بیماری تنگی نفس و ضعف قلب در صفر ۱۳۵۷ ق، به رحمت حق پیوست. نگاه: برای آشنایی بیشتر با علامه اقبال رحمۃ اللہ علیہ، ما و اقبال از دکتر علی شریعتی. «مرکز تدوین»

اگر افغانستان قلب آسیاست، کابل^۱ قلب کشور ماست و نسل انقلابی و جوان، قلب توفنده انقلاب ما و امید و آرمان همیشه زنده امت‌های مؤمن خواهد بود، قیام قهرمانانه مردم انقلابی و مسلمان ما در سوّم حوت، در شهر کابل، بیانگر این حقیقت است که با همه دسایس و توطیه‌های دشمن، در جهت فاسدساختن قلب پرشور و زنده افغانستان که دشمنان ما در پنجاه سال اخیر سخت کوشیدند، همه سوغات فاسد استعمار^۲ را به وسایل و انواع مختلف در شهر کابل پیاده کنند و به تعبیر بعضی از

۱. کابل: یکی از ولایات مهم حوزه مرکزی و پایتخت افغانستان است که مرکز آن شهر کابل می‌باشد که دارای ۱۵ واحد اداری است. مساحت آن ۴۵۲۳۰۹ کیلومتر مربع و جمعیت آن به اساس راپور رسمی اداره مرکزی احصائیه؛ در سال ۱۳۹۲ هـ ش، حدود ۴۵۳۲۰۹ نفر تخمین شده است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۵۷. «مرکز تدوین»

۲. استعمار یا استعمارگری: در لغت به معنای آبادانی خواستن است؛ اما معنای دیگرش که امروزه به کار می‌رود، تسلط سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی ملت قدرتمند بر یک قوم یا ملت ضعیف است. مفهوم استعمار امروز با مفهوم امپریالیزم پیوستگی کامل یافته و استعمار اساساً عمل قدرت امپریالیستی شناخته می‌شود و ناگفته نماند که قرآن کریم دو خاصیت را برای آن برمی‌شمارد: ۱- «إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا» (هنگامی که وارد منطقه آبادی می‌شوند، آن را به تباهی و ویرانی می‌کشانند). ۲- «وَجَعَلُوا أَعْرََّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً» (و عزیزان اهل آنجا را خوار و پست می‌گردانند). اما تاریخ مفهوم جدید آن، از قرن‌های شانزدهم و هفدهم آغاز می‌شود. درکل، تاریخ استعمار را از دوره باستان تاکنون می‌توان به چهار دوره بخش کرد: ۱- دوره باستان؛ ۲- دوره استعمار جهانی؛ ۳- قرن‌های نوزدهم و بیستم؛ ۴- دوره استعمار نو. نگاه: نگرش‌هایی در اسلام، از امام شهید حسن البنا و دانشنامه سیاسی، ص: ۲۶ - ۳۰. «مرکز تدوین»

فسادگران که اگر مد و فیشنی در پاریس^۱ به میان می‌آمد، نخستین بار در کابل پیاده می‌شد، باوجود همه تلاش‌های شرق و غرب در قسمت منحرف‌ساختن جوانان کابل، بازهم می‌بینیم که - به لطف خدای عظیم - این قلب، سالم، متحرک و زنده است و خون انقلاب با توفندگی در آن جریان داشت و دارد.

معراج توفندگی، قیام قهرمانانه مرد و زن، پیر و جوان در شهر کابل، نشان داد که مردم مؤمن ما در این شهر تاریخی یک بار دیگر ثابت کردند که هیچ توطیه‌ای نمی‌تواند، قلب انقلاب اسلامی و ملت افغانستان را فاسد سازد.

ما درحالی که به روح همه شهدای گلگون‌قبا‌ی افغانستان عزیز و مخصوصاً «شهدای عزیز، در کابل انقلابی» درود می‌فرستیم، دعا می‌کنیم و متذکر می‌شویم که قیام مردم ما در کابل، حقایق زیادی را با خود به ارمغان آورد، در سرفهرست این حقایق، یکی این است که ملت افغانستان را هر قدر استعمارگران بخواهند؛

۱. پاریس: پایتخت فرانسه، مرکز و یکی از شهرستان‌های ناحیه ایل - دو-فرانس است، مساحت اصلی آن ۱۰۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۰۹ م، ۲۱۶۴۹۹۴ تخمین شده است. «مرکز تلدوین»

در زنجیر وابستگی خود اسیر سازند، هراندازه، تلاش مفتضحانه را به راه بیندازند، بازهم در تلاش‌شان ناکام و با یک حرکت انقلابی همه زنجیرها درهم می‌شکند و ما این حقیقت را در کابل دیدیم؛ زیرا بیگانه‌پرستان تصوّر می‌کردند که شاید مسخ‌گران اخلاق‌گش و عفت‌سوزِ غرب، جوانان کابل را از قیام و انقلاب و شور و حرکت به دور نگه‌داشته و روح زنده و انقلابی را در میان ساکنان کابل کشته‌اند.

استعمارگران روسی هوس‌های هرزگی را در سر می‌پروراندند که شاید حيله‌ها و نیرنگ‌های‌شان در وجود ساکنان کابل، آن‌قدر کارگر شده باشد که دیگر علیه کمونیسم و استعمار روسی، آوازی از کابل برنخواهد خاست؛ اما همه دیدیم و هم‌اکنون شاهد این حقیقتیم که مردم مسلمان، قشر جوان و همه اقشار ملت مسلمان ما، در کابل به دشمن اجازه ندادند که هیچ‌نوع دام اسارت و وابستگی را در پیش پای‌شان قرار بدهد و به زنجیر غلامی آن‌ها را بکشاند.

هم‌اکنون می‌بینیم که ازجمله قوای دوصدوسی هزارنفری ارتش سرخ، پنجاه‌هزار نفر آن، تنها در شهر کابل مستقر هستند، البته این رقم درشت، نشان می‌دهد

که دشمن، چه تشویشی از رزم‌جویان کابل و از قیام قهرمانانه انقلاب‌گران مسلمان این شهر دارد که با وجود تمرکز فرقه‌های متعدد مزدوران روس، در نقاط مختلف کابل پایگاه‌های هوایی بگرام و خواجه رواش و با وجود مراکز جاسوسی خاد و «K.G.B»^۱ با این هم، پنجاه‌هزار عسکر روسی، تنها به خاطر مقابله با انقلاب‌گران مسلمان، در شهر کابل جابه‌جا شده‌اند و یک‌بار دیگر این حقیقت ثابت می‌شود که راستی روح رزم‌جویان کابل در اثر استعمار و توطیه‌های دشمن خرد نشده است.

روس‌ها - طوری که برادران گفتند - در هجوم خود بر افغانستان و در محاسبه خود سخت اشتباه کردند،

۱. K.G.B: مخفف نام اداره اطلاعات و امنیت اتحاد جماهیر شوروی سابق است. نام کامل این اداره به زبان روسی این‌گونه است: «کمیته امنیت دولتی» این اداره، در سال ۱۹۵۳ م، پس از مرگ ژوزف استالین رهبر وقت شوروی از ادغام وزارت امنیت دولتی و وزارت امور داخلی تشکیل شد. K.G.B یک نام کلی برای فعالیت‌های سرویس اطلاعات شوروی سابق، پلیس مخفی و آژانس اطلاعاتی (جاسوسی) آن کشور بود. به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱ م، K.G.B جای خود را به F.S.B (سرویس ضد جاسوسی روسیه) داد. منتقدان عقیده دارند که این تغییر تنها در نام این سرویس است؛ ولی K.G.B همچنان به فعالیت‌های پشت پرده خود ادامه می‌دهد. نگاه: جنگ افغانستان و شوروی عامل فروپاشی جهانی کمونیزم، از امیر اعتماد دانشیار و کا. جی. بی در افغانستان، اثر واسیلی میتروخین. «مرکز تدوین»

آن‌ها نمی‌دانستند که در میان ملّت‌های مسلمان، حساب ارتش‌ها از حساب ملّت‌ها جداست، در میان ملّت‌های مسلمان ارتش تنها نیست که در دفاع از آزادی و دفاع از تاریخ و مقدّسات مکلفیت داشته باشد که بجنگد؛ دشمن نمی‌دانست که اگر اردو در تشکیلات امت‌های اسلامی، در خط انحرافی قرار بگیرند؛ ملّت‌های مسلمان، هرگز خالی از عناصر عصیانگر و مؤمن نخواهد ماند که علیه هرفساد، به قیام و انقلاب و عصیانگری برخیزند، هرگز امت مؤمن از وجود چنین کتله‌های انقلابی و مؤمن خالی نخواهد بود، او تصوّر می‌کرد که پاسداران و حامیان افغانستان تنها اردوی یک صد هزار نفری است که مهارش را به‌دست می‌گیرد؛ اما بی‌خبر بود از اینکه ملّت‌های مسلمان به‌حکم:

﴿كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ﴾^۱

همه احساس مسئولیت می‌کنند و همه مسئولیت پاسبانی، همه در سنگر به‌عنوان یک‌سپاهی فداکار و یک فدایی پاسدار و بیدارند که یک لحظه هم از یاد

۱. «هرکدام از شما مسئول‌اید و درباره‌ی افرادی که مربوط به شما می‌شود

بازخواست خواهید شد.» نگاه: الشیخان. «مرکز تدوین»

ملت‌شان، از پاسداری کشورشان و دفاع از مکتب‌شان غافل نخواهند بود.

کوردماغان کِرمِلین^۱ از این حقیقت بی‌خبر بودند و بی‌خبر خواهند ماند، آن‌ها فکر می‌کردند، جنگ را تنها نظامی‌ها می‌کنند، نمی‌دانند که ملت‌های مسلمان، هر جا که هستند یک اردوی منظمی‌اند، هر مسلمان خود یک لشکر نیرومندی است، هر مسلمان خود یک نظامی کمر بسته است و هیچ‌وقت احساس نظامی‌گری از یک مسلمان دور نیست؛ زیرا او از پیغمبر خود شنیده است:

﴿مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَغْزُ وَلَمْ يُحَدِّثْ بِهِ نَفْسَهُ مَاتَ عَلَى شُعْبَةٍ مِنْ نِفَاقٍ﴾^۲

و هم‌چنین او از پیغمبر خود شنیده است که می‌فرماید:

﴿الْجِهَادُ مَاضٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾^۱

۱. کاخ کِرمِلین مَسکُو: یک قلعه تاریخی است که به‌صورت مجتمع در قلب شهر مسکو ساخته‌شده، نام مشهور این کاخ، کِرمِلین است - که به زبان روسی به معنای دژ می‌باشد - این کاخ از چهار قصر، چهار کلیسا و دیوار کِرمِلین به همراه برج‌های کِرمِلین تشکیل یافته است. از این کاخ به‌منظور اسکان رئیس‌جمهور روسیه استفاده می‌شود. «مرکز تدوین»

۲. نگاه: صحیح مسلم، شماره حدیث: ۵۰۴۰، جزء: ۶، ص: ۴۹. «مرکز

سنگر همیشه گرم است و هیچ زمانی سرد نخواهد شد،
جهاد دوامدار و پایدار است؛ تا دامن ابدیت به پیش
می رود.

در جهان هستی در دنیای ما، روزی، سالی، دوره ای از
تاریخ سراغ نمی شود که مسلمان به عنوان یک گردان
ضربتی علیه دشمن احساس مسئولیت نکند، اینجاست
که دشمن سخت اشتباه کرد، او نمی دید که اگر روسیه
پنج میلیون عسکر منظم دارد، ما در افغانستان پانزده
میلیون عسکر همیشه در سنگر داریم، علاوه بر آن،
میلیون ها تن از مسلمانانی که در گوشه های مختلف
جهان، گوش به آواز و چشم در انتظار نشسته اند که چه
وقت از آن ها دعوت به عمل می آید؛ تا مشتاقانه به
سرزمین خون و شهادت به افغانستان، به شریان امت
اسلامی بشتابند و در میان انقلاب اسلامی افغانستان،
انقلاب ملت های مسلمان، خون تازه و نیروی جدیدی را
وارد میدان معركة و پیکار بکنند.

در همین ناآگاهی دشمن، بعد برنده ای نهفته بود که به
ملت مسلمان ما توان می بخشید، قیام عظیمی را برای
نجات کشور عزیز، در جهت سرکوبی سردمداران

بی‌رحم کرملین به راه اندازد و تا سرحد پیروزی ادامه خواهد یافت.

برادران عزیز!

اگرچه، همهٔ اقشار مسلمان ما در پیشگاه پروردگار خود احساس مسئولیت می‌کنند؛ اما آن‌هایی که داناتر و آگاه‌ترند، ضمیرشان بیدارتر است و مسئولیت‌شان سنگین‌تر، شما برادران، مخصوصاً «گردانندگان مجلس امروز» که به اشتراک مرکز انسجام محصلین و نمایندگان مرکز کابل به میان آمده، شما برادرهایی که از قشر انقلابی و جوان افغانستان نمایندگی و از قلب کشور ترجمانی می‌کنید، یقیناً که مسئولیت‌های تاریخی شما نسبت به دیگران بیشتر و سنگین‌تر است.

شما خوب می‌دانید که قرآن عظیم‌الشان به ارتباط انقلاب‌های آسمانی به قشر جوان و عناصر انقلابی جوان اهمیت خاصی قایل است، قرآن چون از این انقلاب‌ها صحبت می‌کند؛ در پیشاپیش بزرگ‌ترین انقلاب‌های آسمانی، عناصر جوان را قرار می‌دهد، در داستان اصحاب کهف و رقیم می‌فرماید:

﴿إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى﴾^۱

این‌ها، این کتله‌ای که یک‌تنه برضد دقیانوس، در برابر مستکبرین و شاهان ظالم و بی‌رحم قیام کردند، چه کسانی بودند؟

مشتی از جوانانی بودند که قیام کردند، انقلابی را به راه انداختند و هسته‌سری را دور از انظار مردم، در میان مغاره‌ها تشکیل دادند.

در ارتباط با ابراهیم بت‌شکن قرآن می‌فرماید:

﴿قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ﴾^۲

مشرکان شکایت می‌کنند، بت‌ها را که شکست؟ علیه ما که قیام را آغاز کرده است؟ جوانی که نامش ابراهیم است، این انقلاب را رهبری می‌کند.

در دوران رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله هم اولین هسته نور، متشکل از چهل و یاسی و هشت تن از کودک و جوان که

۱. کهف / ۱۳: ﴿نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى﴾ (ما خبرشان را بر تو درست حکایت می‌کنیم، آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و بر هدایت‌شان افزودیم.) «مرکز تدوین»

۲. الانبیاء / ۶۰. (گفتند: جوانی از بت‌ها سخن می‌گفت که به او ابراهیم می‌گویند.) «مرکز تدوین»

بزرگ‌ترشان سی و هشت ساله بود، شروع شد و تا امروز که می‌بینیم این کاروان نور از میان ظلمت‌ها به پیش می‌رود. اینجاست که مسئولیت برادران جوان ما، در همه‌جا و مخصوصاً برادرانی که در انسجام محصلین هستند و در شهر کابل قیام و انقلاب را رهبری می‌کنند و یا هر رزمنده‌ای که خون انقلاب در شراینش موج می‌زند و لو در سن پیشرفته هم قرار داشته باشد، مسئولیت عظیمی را در برابر پروردگار و امت مظلوم خود دارد.

اکنون، انقلاب ما وارد حسّاس‌ترین مرحله تاریخی خود شده است، دیگر زمان بی‌غم‌باشی گذشت، زمانی که وقت خود را خیلی‌ها ضایع می‌کردیم، برای همیش گذشته است، اکنون باید متوجّه همه اوضاع و احوال بود که در ماحول ما چه می‌گذرد؟ دشمنان با قیافه‌های مختلف چه می‌کنند؟ چه حیل‌ها و توطیه‌هایی دست‌اندرکار است؟ چه دام‌هایی است که در پیش روی ما گذاشته می‌شود؟ چه دام و دانه‌هایی است که یک‌جا و جای دیگری ریخته می‌شود؟

اما یک چیز را باید به صراحت و قاطعیت اعلان کنیم، هراتهام و وابستگی که از هرجا و هر حنجره‌ای که علیه

انقلاب ما شنیده شود، قطعاً مردود و هرزه است، انقلاب ما به دست و بازوی توانای ملت مظلوم ما آغاز شد، بی آنکه از جایی الهام بگیرد؛ هیچ کسی در توجیه و رهبری آن از بیرون دست نداشته، انقلاب با دست خالی شروع شد و از میان انبوه رنج ها و مشکلات راه خود را گشود و تا امروز که تا سطح جهانی خود را قبولانده است و تا لحظه ای که به پیروزی کامل می رسد، مستقل و غیر وابسته و متکی به خود باقی خواهد ماند و هراتهام ناروا و هر حرف دروغینی را که از هر جا به روی اهداف شوم و ننگین، علیه این انقلاب تهمت بسته می شود، هرزه و مردود می شماریم و اگر کسی بخواهد، افتخاراتش را به خود منسوب بسازد، اشتباه می کند.

افتخارات انقلاب، به ملت مسلمان افغانستان و به مسلمانان متعهد و مؤمن در سراسر جهان مربوط است، به هیچ کشوری، به هیچ سیستمی و به هیچ استعمارگری مربوط نیست، آزادانه انقلاب را آغاز کردیم، آزاد خواهیم زیست و آزاد خواهیم مرد و هرگز، به هیچ دست ناپاکی اجازه داده نخواهد شد که بر حریم نور و صفای انقلاب ما، دست ظلمت و سایه ای کثیفی توطیه و تهمت را دراز کند؛ لذا کسانی که به انقلاب ما تهمت می بندند، یک بار

از خود پرسند که آن‌ها خود که‌اند؟ از چه قماش مردمی‌اند؟ چه نوع احساس آزادی در آن‌ها وجود دارد؟

ملت افغانستان، بالاتر از سطح تهمت‌هاست، بالاتر از سطح وابستگی‌هاست، انقلاب‌شان دیگر به هیچ‌خس و خاشاک اجازه نخواهد داد که سدّ راهش گردد و مانند سیلِ خروشان خس و خاشاک تهمت‌ها را از پیش روی خود دُور خواهد کرد، تهمت‌ها علیه انقلاب ما جز نیرنگ‌های دشمن حيله‌گر است که بیهوده و بی‌اثر خواهد بود، ما از ملت مسلمان در کشور اسلامی پاکستان، به‌عنوان یک برادر مسلمان‌شان انتظار داریم که به‌حیث برادران انصاری، خود را شریک رنج و محنت ما سازند و این حقیقت را نادیده نگیرند، آن‌هایی که از سرگذشته‌اند و به آرزوی شهادت، همه‌چیز خود را فدا کرده‌اند، چنین ملّتی که در برابر بزرگ‌ترین قدرت استکباری جهان می‌جنگد، او هرگز به اشاره امریکا و غیر امریکا قیام نکرده و هرگز انقلاب‌شان به‌خاطر چشم‌کبود امریکایی‌ها آغاز نشده است؛ بلکه این انقلاب به‌خاطر رضای خداوند جَلَّ جَلَالُهُ به منظور نجات ملّت مسلمان افغانستان و به منظور سربلندی همه ملل مسلمان چه در

پاکستان^۱ و چه در هرجای دیگر، به راه افتاده است؛ اما جهات منفی روند انقلاب را فراموش نباید کرد و به اصلاح آن باید کوشید، از تهمت اجنبی نترسیم، باید از خود بترسیم، و به گفته خواجه عبدالله انصاری که می گوید:

«خدایا همه از تو می ترسند و عبدالله از خود.»

ما باید از خود بترسیم، از تهمت تهمت گران نترسیم، از خود بترسیم که خود از اسلام منحرف نگردیم، توجّه باید کرد که آیا همه در راه اسلام روانیم، آیا مقاصد مادیت، ما را منحرف ساخته است؟ آیا راه را ترک گفته و به بیراهه روانیم؟

این سوال ها را باید همیشه متوجّه خود کرد.

﴿حَاسِبُوا قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا﴾

۱. جمهوری اسلامی پاکستان: کشوری است که در جنوب غربی قاره آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۷۹۶۰۹۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، حدود ۱۸۴۴۰۵۰۰ نفر تخمین شده است. زبان رسمی آن اردو، انگلیسی، پایتخت آن شهر «اسلام آباد» و واحد پول آن روپیه پاکستان است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۰. «مرکز تدوین»

عمر فاروق رضی اللہ عنہ چه شیوا و زیبا فرموده است که پیش از اینکه دیگران از شما حساب بگیرند، خود را مورد محاسبه قرار بدهید.

اگر جواب این سوال‌ها مثبت بودند، یقین کامل داریم که دیگر همه تهمت‌ها مانند جال عنکبوت، ضعیف و ناتوان خواهد بود؛ اما ناگفته نباید گذاشت که به‌راستی، دشمن اکنون دارد، فساد را در میان ما پخش می‌کند، او می‌خواهد که - خدای ناخواسته - ما به سطح افراد و به

۱. عُمَر پسر خَطّاب پسر نفیل ملقب به ابوحفص، فاروق و دومین خلیفه راشد. نسبش در کعب بن لؤی به پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم می‌رسد. پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم مدام دعا می‌کرد که خداوند اسلام را با یکی از دو عمر (عمر پسر خطاب یا ابوجهل) عزّت دهد. خداوند دعای پیامبر را در حق او اجابت کرد و مسلمان شد. به واسطه وی، خداوند اسلام و مسلمانان را عزّت بخشید. وی بعد از ابوبکر صدیق رضی اللہ عنہ به خلافت رسید. در دوران خلافتش، سرزمین‌های سوریه، عراق، فارس، برقه، طرابلس غرب، آذربایجان و نهاوند و گرجان فتح شد. وی اولین کسی است که آغاز تاریخ مسلمانان را هجرت رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم قرار داد و دفاتر تنظیم و ثبت امور مالی را ایجاد کرد. در پایان بعد از ده سال و شش ماه و چهار روز مدّت خلافتش، به دست ابو لؤلؤ معجوسی در نماز صبح سال ۲۳ هـ.ق، به شهادت رسید. عمر رضی اللہ عنہ در حجره ام المؤمنین عایشه رضی اللہ عنہا در کنار پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم و ابوبکر صدیق رضی اللہ عنہ به خاک سپرده شد. نگاه: ستارگان هدایت، ص: ۱۳۵، سیمای صادق فاروق اعظم عمر بن خطاب رضی اللہ عنہ، از حاج ملاعبدالله احمدیان، خلفای راشدین از خلافت تا شهادت، از صلاح عبدالفتاح الخالدی، عبقریّه عمر رضی اللہ عنہ، از عباس محمود العقاد و محمد صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم نخستین مربی و آموزگار بشریت از رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین ربّانی. «مرکز تدوین»

سطح گروه‌ها، فاسد گردیم و انسان فاسد، انسانی است بی‌هدف، هردامی او را پیچانده و قید خواهد کرد و به‌سوی هرانحراف کشانیده خواهد شد، اینجاست که سخت باید ملتفت بود.

در این ارتباط چه باید کرد؟ اکسیر اعظم نجات را از کجا باید جست‌وجو کرد؟ از اعماق ضمیر و اندیشه و عمل خود، هریک از ما به اصلاح خود پردازیم و هریکی به توصیه‌ی صادقانه و مخلصانه‌ی برادر خود پردازیم، قرآن کریم راه نجات ما را چنین بیان می‌کند:

﴿وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ﴾^۱

قسم به زمانه - به زمانه‌ی رسول اکرم ﷺ - که همه‌ی انسان‌ها در زیان‌کاری و در خسران‌اند؛ مگر آن‌هایی که ایمان آوردند، به خدا تسلیم شدند و عمل صالح انجام دادند به‌اصلاح خود کوشیدند، اول خودشان الگوی اصلاح و تقوی شدند، سپس هم‌سنگران خود را به حق و استقامت دعوت و وصیت کردند؛ زیرا حق و استقامت دومطلبی‌اند که از یکدیگر جدا نیستند، کسانی که از حق پشتیبانی می‌کنند، باید صابر و ثابت‌قدم باشند؛ زیرا

رهروان راه حق از میان صخره‌های سخت و مشکلات می‌گذرند؛ لذا باید صابر، شکیبا و ثابت‌قدم باشند.

پس، اولین قدم اصلاحی را از خود و از ماحول خود شروع کنیم و کارهای سازنده ما بیشتر باشد، امر بالمعروف و نهی عن المنکر با اسلوب اسلامی طوری به عمل آوریم که بتوانیم یک انسان منحرف را به درستی به سوی حق و حقیقت دعوت بکنیم، برخورد برادران جوان ما وقتی که پدیده‌های شوم و ننگین را در انقلاب شان می‌بینند، دل‌سوزانه باشد و حکیمانه و با قاطعیت جلو مفاسد را باید گرفت.

در اسلام یک نظارت کلی حاکم است، از نظر اسلام تنها وظیفه محتسب نیست که مردم را توجیه و رهبری کند؛ بلکه امر بالمعرف و نهی عن المنکر به عنوان یک نظارت همگانی وجیهه ماست.

نظارت همگانی همه ملت مسلمان از خود و از یکدیگر، اگر می‌بینیم کسی از راه حق منحرف می‌شود، دست به فساد می‌زند، جهاد و مجاهد را بدنام می‌سازد، باید جلوش را بگیریم؛ به اسلوبی که در توان ماست، به هر شکلی که می‌توانیم از توصیه برادروار، از اظهار

انزجار، از تهدید و توبیخ از توصیه و رهنمایی و از هرامکانی که در اختیار ماست، باید استفاده کرد.

اکنون، ما در مرحلهٔ جدیدی از خودسازی قرار داریم، این مرحله مشکل‌ترین مراحل است، برادرانی که تاریخ خوانده‌اند، مخصوصاً از تاریخ تحولات فکری خبر دارند، می‌دانند که مراحل انتقالی از یک مرحلهٔ تاریخ به مرحلهٔ دیگری از جملهٔ مشکل‌ترین مراحل تاریخی به شمار می‌رود و این مشکل در طبیعت است، در طبیعت همهٔ زنده‌جان‌ها، همهٔ انسان‌ها، از یک مرحله به مرحلهٔ دیگر داخل شدند، از مرحلهٔ کودکی وارد مرحلهٔ پختگی و جوانی شدند، از مرحلهٔ نیمه‌خامی به مرحلهٔ پختگی قدم گذاشتند، این طغیانی‌ترین و آسیب‌پذیرترین مراحل است.

شما می‌بینید که مرحله‌ای که یک جوان خیلی‌ها منحرف می‌شود، کدام مرحله است؟ مرحلهٔ همراهی است که تا هنوز جوان درست بالغ نشده و از مرحلهٔ کودکی تازه به مرحلهٔ جوانی می‌گذرد.

در این مرحله، غرایز جوانی سخت او را در کشمکش قرار می‌دهد، چه بسا از جوان‌ها که در این مرحله فاسد

می‌شوند و اگر دست هدایت و رهبری در میان نبوده باشد، به بی‌راهه کشانده می‌شوند.

جوامع هم حالت کودکی و پختگی دارد، هر جامعه زمانی که از یک مرحله وارد مرحله جدید شود، مرحله انتقالی آن با آشوب و بحران یکجاست، تحولات در جوامع معنای آن را نمی‌دهد که هر تحوّل باید از مرحله خامی و نزولی شروع شود و چه بسا که جامعه‌ای از لحاظ نظم حاکم در مرحله پختگی قرار دارد؛ اما وقتی که می‌خواهد وارد سیستم جدید و مرحله تاریخی دیگری شود، از بحران و آشوبی عبورکردنی است، حتّی اگر مفکّر و فیلسوفی هم باشد، وقتی که خواسته باشد از یک طرز فکر مادی به یک فکر معنوی یا ایدئالیستی وارد شود، یا از یک ایدئالیستی به مرحله کاملاً ریالیستی و واقعیت‌گرایی وارد شود، به یک عالم کشمکش فکری و روانی روبه‌رو می‌شود.

اینجاست، اگر دستی نباشد که او را نجات بدهد، منحرف می‌شود، مفکرینی هستند که در این مرحله، منحرف شده‌اند، تاریخ اسلام نشان می‌دهد، وقتی مسلمان‌ها در دوران تکامل فلسفی، زمانی که از مرحله

اغریقی، وارد مرحله تکامل فکر اسلامی شدند، در این دوره، اندیشه‌های انحرافی مکتب‌های منحرف به قدری زیادند که در دوره‌های ماقبل و مابعد کم‌تر ملاحظه می‌شوند، افکار مختلف التقاطی، استدلال‌های منحرف، کشمکش‌های بیهوده، زیاد به چشم می‌خورد؛ تا اینکه عده‌ای از مفکرین مسلمان توانستند، طرز فکر فلسفی را در جهان اسلام از مرحله فکری اغریقی، وارد یک مرحله پختگی اسلامی بسازند.

برادران عزیز!

ما باوجود همه مشکلاتی که در سر راه ماست، آینده را به نفع اسلام و به نفع انقلاب اسلامی می‌بینیم، اگرچه دسیسه‌های مختلفی وجود دارد، دشمنان به انواع مختلف در مورد ماوشما دسیسه می‌ریزند و برای شکستن ما و روحیه انقلابی ما و اراده ملت مسلمان ما، فعالیت‌های خطرناکی روان است، در این جهت مشکلات فراوانی دامن گیر ماست که باید همگی دست به کار شویم، همه‌جا، حرکت‌ها به راه بیفتد، در اینجا، عده‌ای هستند، هیاهویی را به راه می‌اندازند که مجاهدین و یا مهاجرین افغانستان به سرنوشت اساسی و داخلی کشور پاکستان دست می‌زنند.

ما این حقیقت را بارها گفتیم، اینکه ما مربوط به هیچ گروه سیاسی در پاکستان نیستیم، روابط ما با همه ملت مسلمان پاکستان برادرانه است، مهمان همه هستیم، در امور داخلی هیچ کس دست نزده‌ایم و دست نمی‌زنیم؛ اما این حقیقت را برای همه می‌گوییم که ما پاسدار ناموس همه مسلمانان چه در افغانستان و چه در پاکستانیم؛

لذا برادران مسلمان ما متوجه مسئولیت باشند و ما آن عناصر هرزه و بیهوده‌ای نیستیم که به اصطلاح، به امریکا فروخته شویم، خودفروخته‌ها، غلامانی‌اند که صلاحیت خریدوفروش در آن‌ها هست؛ اما، در میان ملت آزاد و شکیبا و صابر و قهرمان افغانستان که با غلامی می‌جنگد، چنین هرزه‌سرایی شوم و ننگین است و مردم ما اگر به غلامی تسلیم می‌شدند، روس‌ها سردمدار برده‌فروشان جهان‌اند، اگر چنین فرومایگی در میان ملت افغان می‌بود به ابرجانوری که بزرگ‌ترین برده‌فروش زمان معاصر است، تسلیم می‌شدند؛ اما، ما که علیه برده‌سازی و برده‌فروشی قیام کردیم، متاع زرخرد امریکا نخواهیم بود و سخت اشتباه می‌کنند آن‌هایی که تصوّر ناروا را

می‌کنند و در آئینهٔ خود ما را می‌بینند؛ بلکه ثابت‌قدم، صابر و استوار در سنگر از موضع خود باید دفاع کنیم و باید به آنچه هست قانع نباشیم، به آنچه می‌خواهیم، باید سوی آن قدم برداریم؛ در این بخش نقش برادران جوان سازنده است، اگرچه شاید بسیار تصوّر شود که هنوز برای ما موضع و نقشی داده نشده است؛ اما من یقین دارم و ما امیدواریم که حتماً دروازه‌ها و لو بسته باشد، باز به روی عناصر مؤمن و مخلص بازشدنی است، باز عوامل و حجاب‌های حاجز پاره‌شدنی‌اند و از این میان برادرهای متعهد و مؤمن راه خود را در قسمت سازندگی باز می‌کنند و استعدادشان در راه رهبری جنبش تبارز خواهد کرد و آرمان‌شان پیاده خواهد شد؛ لذا در این راه باکمال اطمینان باوجود همهٔ مشکلات که در پیش داریم باوجود همهٔ شکست و ریخت‌هایی که در دورهٔ انتقالی با آن روبه‌رویم، با اطمینان کامل، نور امید را از پشت پرده‌های ظلمت بشکافیم و به‌سوی امیدواری گام برداریم، در برابر هرنوع مشکلات باثبات قدم و با ارادهٔ مستحکم مقابله و مُبارزه کنیم.

مُبارزه باید با روحیهٔ سرشار از صدق و اخلاص، اخوّت و محبّت یکجا باشد و به‌خاطر پیاده‌کردن آرمان

خود، هر عنصر متعهد و دل‌سوزی که می‌بیند، انقلابش در مسیر مشکلات سهمگین قرار گرفته، برای نجات آن دل‌سوزانه و به‌صورت یک انسان مهربان دست‌به‌کار شود.

ماوشما فعلاً از لحاظ سیاسی در مابین دو مرحله قرار داریم، در مرحله کشمکش، به اصطلاح سازمان‌دهی اتحادی که در حالت یک بی‌نظمی مطلق قرار داشتیم؛ از آن مرحله، فعلاً به‌سوی یک نظم و سازمان‌دهی جدید ولو که به ظاهر حوزه‌بندی‌های مستقل و جدا از همدیگریم؛ اما برای ما انقلاب ما فوق‌العاده مهم است. هسته‌های زنده انقلاب را، در چوکات به‌خصوص تشکیلاتی، چطور می‌توانیم تنظیم کنیم و چگونه آن را بسازیم و رهبری کنیم و برای آینده، به‌عنوان یک مرکز و به‌حیث یک نیروی قدرتمند پیاده بنماییم.

در این مرحله شکست و ریخت‌هایی به‌میان می‌آید، کشمکش‌هایی صورت می‌پذیرد، تضادهای ذهنی و فکری مختلفی عرض‌اندام می‌کند، در اینجا صبر و استقامت و توبه به حق و موضع‌گیری‌های مثبت، کار اساسی است که ما را از این مرحله وارد مرحله جدیدی

می‌سازد، نباید بی‌حوصله شویم و اعصاب خود را از دست بدهیم، نه در برابر تخریب تسلیم شویم و نه در برابر کشمکش‌ها خُرد گردیم و نه در برابر هیاهو، میدان را خالی کنیم و به اصطلاح فرار را بر قرار ترجیح بدهیم.

بعضی‌ها می‌گویند که اگر امریکایی‌ها با جهاد افغانستان در ارتباط نیستند، پس چرا امریکایی‌ها هیاهوی دفاع و پشتیبانی را به راه انداخته‌اند.

به نظر ما روابط امریکا^۱ در جهاد افغانستان، به همان مَثَل عام مشهور می‌ماند که می‌گوید:

«بزدلان شمشیر خود را به خون جسد مرده‌ها رنگین می‌سازند.»

امریکایی‌ها که از روس سخت می‌ترسد، امروز که می‌بیند غول هولناک روسی با همه سازوبرگ نظامی‌اش در برابر مَلّت قهرمان افغان به زانو درآمده و در لجن‌زار جنایت و اشتباهاتش دست‌وپا می‌زند، نوک شمشیر خود را از راه امواج رادیو و ستون روزنامه‌ها دراز کرده است؛

۱. ایالات متحده امریکا: کشوری است که در امریکای شمالی موقعیت دارد. مساحت آن ۹۳۶۳۳۶۴ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، حدود ۳۱۰۰۶۲۰۰۰ نفر تخمین شده است و پایتخت آن شهر واشنگتن است. زبان رسمی آن انگلیسی و واحد پول آن دالر امریکایی است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۹. «مرکز تدوین»

تا در افتخار ملّت افغان شریک گردد؛ ولی ملّت ما به کسی حق نمی‌دهد که با ادعای باطل به حریم افتخارات تاریخی او تجاوز نماید، انقلاب اسلامی افغانستان آزاد، مستقل و غیروابسته شروع شده و در همین راه به پیش می‌رود.

برادران عزیز!

من به شما رزم‌جویان جوان که به‌حیث عناصر پیشاهنگ، در پیشاپیش انقلاب و رهبری ملّت خود قرار دارید، توصیه می‌کنم، در سازندگی هرچه بهتر و تنظیم بخشیدن هرچه مستحکم‌تر تنظیم خویش و ایجاد فضای اخوّت و هم‌بستگی در میان هم‌سنگران خود بکوشید. خدا یار، نگهدار و مددگارتان باد.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ،^۱ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.^۲

۱. (می‌گویم: سخن من همین است، به خود و شما از الله عَزَّوَجَلَّ آمرزش می‌طلبم) با این جمله، پیامبر ﷺ و یاران مبارکش گاه‌گاهی سخنرانی‌های‌شان را خاتمه می‌دادند. نگاه: ابنِ جَبَّان، شماره حدیث: ۳۸۲۸ والسلسلة الصحيحة،

از ناصرالدین آلبانی، شماره حدیث: ۲۸۰۳. «مرکز تدوین»

۲. الها! آنان را بیامرز و به آنان رحم بفرما. «مرکز تدوین»